



برش‌های کوتاه

روایت دایره‌وار بدون سیاه‌نمایی



علی رستگار

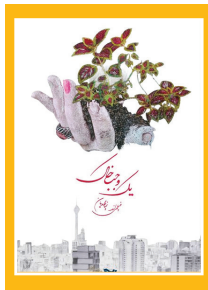


«رها» به عنوان نخستین فیلم سینمایی حسام فرهمند اثری گرم و جذاب است و مخاطب را تا پایان همراه می‌کند. فیلم در روایتی دایره‌وار به همان نقطه‌ای که آغاز

کرده بر می‌گردد، اما در این بازگشت به مبدأ مطلقا هیچ چیز مثل سابق نیست. «رها» داستان فروپاشی یک خانواده زیرمتوسط را روایت می‌کند که به دلیل حادثه و جبر زمانه، عنان کار از دستشان دررفته و قدم به قدم به فقر و نابودی نزدیک می‌شوند. هرچند «رها» به دام سیاه‌نمایی نمی‌افتد و نقدش به شهر و جامعه را ظریف، هنرمندانه و با جزئیات زندگی بیان می‌کند، اما در مسیر روایت، داستان تا حدودی به بیراهه می‌رود و تغییر فاز می‌دهد و حتی در جمع‌بندی و توضیح ماجرا کسدار می‌شود و به لکت می‌افتد. در حالی که شاید می‌شد بدون غلتیدن قصه به فاجعه هم، آن دومینوی تیرگی وضعیت خانواده و شوم‌بختی کاراکترها را به تصویر کشید، اما نویسنده و فیلمساز ترجیح می‌دهند زهر بیشتری به کام مخاطب بریزند. فیلم از منظر جواب دزدیده شدن لپ‌تاپ با دزدیدن لپ‌تاپ دیگری، یساور «دزدان دوچرخه» (ویتوریو دسیکا) و «آبادانی‌ها» (کیانوش عیاری) است.

در باره فیلم عجیب «صنم»

وقوع حوادث محیط‌زیستی مختلف در جهان در چند سال اخیر شدت گرفته و وضعیتی بحرانی پیدا کرده است؛ موقعیتی که لزوم توجه ویژه به این مهم را بیش از پیش می‌کند. در این میان نقش مدیوم جذاب سینما با روایت‌هایی اثرگذار بسیار کاربردی خواهد بود و فارغ از جذابیت‌های سرگرم‌کننده سینمای حادثه و داستان‌هایی ملتهد، می‌تواند با تلنگری جدی به مخاطبان و مسئولان هم همراه باشد، اما قطعا منظور خروجی‌ای مثل فیلم «صنم» (شهره رحیم‌زاده) نیست که تنها حسن و امتیازش پرداختن به فاجعه زیست‌محیطی آتش‌سوزی جنگل (تنگه) هایقر در فیروزآباد فارس است و در ساختار و اجرا با فاجعه‌ای مواجهم که در معادل سازی، دست کمی از تراژدی واقعی ندارد. اگرچه این فیلم در بخش ویژه و خارج از مسابقه جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و جایگزین «زمانی در ابدیت» شد، اما با کیفیت رویت شده، این اثر حتی شایسته حضور در بخش خارج از مسابقه هم نبود! «صنم» که هم‌نام فیلمی از رفیع پیتز هم هست، با همه نیت خیر و ارزشمند تلاش سازندگان، تله‌فیلمی برای شبکه‌های استانی است و فاصله زیادی با استانداردهای اثری سینمایی و قصه‌گو دارد. هدایت فیلم و مرتضی شایسته را با فیلم‌های درخشانی چون «مادر»، «روز واقعه»، «کانی مانگا»، «روز باشکوه» و «ردپای گرگ» به یاد داریم، اما با این فیلم اگر موافق باشید، هدایت فیلم لطفا و فعلا تقدیم نکند!



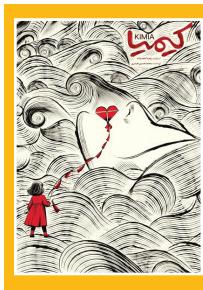
یک و جب خاک

کارگردان و تهیه‌کننده: نیما مهدیان



مرزهای خاموشی

کارگردان و تهیه‌کننده: امید هاشملو



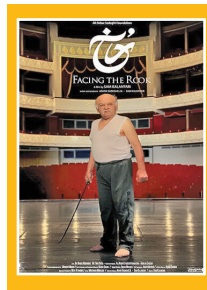
کیمیا

کارگردان: زهره احمدزاده  
تهیه‌کننده: محمدحسین حیدری



شگرد

کارگردان و تهیه‌کننده: جعفر صادقی



رُخ

کارگردان: سام کلانتری  
تهیه‌کنندگان: آرش صادقی  
سام کلانتری

سیمرغ مستند برگزیده چهل و سومین جشنواره فیلم فجر در مراسم اختتامیه اهدا خواهد شد.

معرفی نامزدهای بخش مستند جشنواره

میترا مهترین (مستندساز و روزنامه‌نگار) و پروین صدر ثقه‌الاسلام (مدیر فرهنگی و پژوهشگر) نامزدهای مسابقه آثار مستند جشنواره اعلام شدند.

(مدیر فرهنگی و مستندساز)، مهرداد زاهدیان (کارگردان مستند)، سعید رشتیان (تهیه‌کننده فیلم مستند)، محمد صوفی (تهیه‌کننده فیلم مستند)، پژمان مظاهری پور (کارگردان مستند)،

نامزدهای بخش مسابقه مستند سینمایی چهل و سومین جشنواره فیلم فجر اعلام شدند. با اعلام هیأت داوران آثار مستند سینمایی جشنواره فیلم فجر متشکل از محسن برمهانی

یادداشت فیلم

ناتور دشت و یسناد ختر گمشده

محمد جلیوند



بهره‌گرفتن از قصه واقعی و ترکیب آن با تخیل شیوه امتحان‌پس داده و در عین حال جذابی است که در سینمای جهان به یک جریان مرسوم تبدیل شده و عبارت «راساس یک داستان واقعی» را همه‌ساله می‌توان در عنوان بندی ابتدا یا انتهای یک فیلم سینمایی مشاهده کرد. حال عنصری که ماندگاری فیلم را رقم می‌زند و تماشاگران بیشتری را با رضایت خاطر روانه در خروجی سالن‌های سینما می‌کند، کیفیت فیلمنامه و تخیل در آن است. فیلم سینمایی «ناتور دشت» ساخته محمدرضا خردمندان که نام خود را از رمان ماندگار سلینجر وام گرفته و البته اثری از محتوای کتاب در آن نیست، از جمله این آثار است که در چهل و سومین دوره جشنواره فیلم فجر در بخش مسابقه روی پرده رفته‌است.

نجات یسنا، گام بعدی در شکل بخشیدن به اوست که زمانی محیط‌بان برجسته‌ای بوده و حال به کار پرورش اسب در مانژی‌نه‌چندان وسیع مشغول است. یک کاشت اطلاعات ظریف هم در این بخش توسط یکی از دوستان «احمد» صورت می‌گیرد که در نیمه دوم به یک عطف تبدیل می‌شود. «آیهان» هم دیگر شخصیت مهم «ناتور دشت» است که از همان اول روی اعتیادش در گذشته مانور داده می‌شود و خانواده‌ای هم ندارد. یک داستان فرعی جذاب هم با حضور او و زنی به نام «حلمنا» شکل می‌گیرد که تم عشق را در فیلم پُرنگ می‌کند. در عین حال با توجه به مخالفت «هاشم» پدر «حلمنا» تنشی زیر پوستی حس می‌شود که تماشاگر را در بیم‌و امید نسبت به فرجام کار این دو قرار می‌دهد. از طرف دیگر، «آیهان» است که نقطه عطف اصلی کار را رقم می‌زند و در مسیری مخالف مردم حرکت می‌کند. قضیه مربوط به فروش تکه زمین او نیز خود یک داستانک است که به خوبی به تنه اصلی فیلمنامه گره می‌خورد. «آیهان» را می‌توان شخصیت

خاکستری کار شده‌ای به حساب آورد که در کنار «احمد» بار اصلی درام را به دوش می‌کشند. «احمد» هم از آن دسته شخصیت‌هایی است که حتی در فیلمنامه‌های موضوع محور ستون کارند و فیلم با تکیه بر آنها شکل می‌گیرد. فیلم سرشار است از ریزه‌کاری‌هایی که تماشاگر را سر ذوق می‌آورد و تا آخر همراه خود نگه می‌دارد. بزنگاه اخلاقی‌ای هم که برای «احمد» تدارک دیده شده از جنس خود فیلم است و از آن بیرون نمی‌زند. «ناتور دشت» برخلاف بسیاری از تولیدات سینمای ایران، در پرده گره‌گشایی و فینال مشکلی ندارد و با ریتم بالا به آخر می‌رسد؛ یکی از معدود پایان‌بندی‌های درخشان آثار سینمای ایران در سال‌های اخیر که ذهن تماشاگر را تا مدتی پس از پایان به خود مشغول نگه می‌دارد. خردمندان در مقام کارگردان هم موفق عمل کرده و به خوبی از فضا و اتمسفر لوکیشن خود بهره گرفته‌است. برای مثال می‌توان به سرگ‌کاه‌های پراکنده در فضا در سکانس‌های مختلف اشاره کرد که به یک موتیف بصری جذاب تبدیل شده‌است.